

گفت و گوی «شهروند» با برادرهای دو امدادگری که در یک ماموریت جانشان را از دست دادند

قصه ایشار ۴ برادر

بعد از مرگ وحید محمدی، برادر بزرگتر امدادگر داوطلب هلال احمر شد



سیدرضا جعفری (بالا) و امدادگر هلال احمر (پایین)

شهروند | هشت ماه از آن شب تلخ گذشته؛ همان ششی که دو امدادگر فداکار راه نفس شان در چاه ۱۹ متری بسته شد و زندگی شان به پایان رسید. وحید محمدی به همراه دوستش سیدرضا جعفری، برای خارج کردن جسد یک مقتی وارد این چاه شده بودند، اما سر نوشت تلخی برایشان رقم خورد. حالا خانواده هایشان بعد از گذشت ۸ ماه، همچنان به سوگ این دو امدادگر فداکار نشسته اند، با این حال هیچ چیز نتوانسته برادرهای امدادگر این دو نفر را از شغلشان دلزده کند. با این که این شغل برادر هایشان را از آنها گرفته ولی همچنان ماموریت های سخت و پرخطر خود را اجرامی می کنند و در هر حادثه وقتی لباس امدادگری را می پوشند، به یاد برادر هایشان می افتند. آنها حالا بازنده نگه داشتن یاد برادر هایشان، همچنان در صحنه های حادثه می تازند و عملیات های مختلفشان را انجام می دهند.

همبستگی امدادگران مره ایه این کار ترغیب کرد با کار برادرش مخالف بود. از این شغل بر خطر می ترسید. دوست نداشت برادر کوچکش جانش را کف دستش بگذارد و به دل حادثه برود. نتوانست برادرش را از این کار منصرف کند و در نهایت هم او را در یک ماموریت از دست داد. ولی همه اینها به جای این که ابوالفضل محمدی را از شغل امدادگری منتفر کند، او را به این کار علاقه مند کرد. برادرش را به خاطر این شغل از دست داد و حالا بعد از مرگ امدادگر داوطلب هلال احمر شده است و خودش هم جانش را کف دستش می گذارد و به دل حادثه می رود. همبستگی امدادگران او را به این کار ترغیب کرد. برادر وحید محمدی در گفت و گو با «شهروند» از آن شب تلخ و ماجرای از دست دادن برادرش می گوید:

• شما چند برادر و خواهر هستید؟
پنج برادر بودیم و یک خواهر دارم.

• وحید چند سال داشت؟
۲۴ ساله بود.

• از دواج کرده بود؟
نه، مجرد بود.

• چند وقت بود که در هلال احمر کار می کرد؟
آن زمان که فوت کرد، دو، سه سالگی می شد که امدادگر شده بود.

• چرا این شغل را انتخاب کرد؟
علاقه زیادی داشت. وحید به طرز عجیبی عاشق کارش بود. تا جایی که وقتی مخالفت ما را دید، کارش را پنهان کرد. تا مدت ها مخفیانه به ماموریت می رفت. وقتی شبها برای کار می رفت، به ما می گفت که به کوهنوردی رفته است.

• کوهنورد هم بود؟
بله، او در دوران نوجوانی کوهنوردی می کرد و در این زمینه هم بسیار حرفه ای بود.

• وقتی شما متوجه کار او شدید، چه عکس العملی نشان دادید؟
بعد از گذشت مدتی ما برادرها و پدرم متوجه شدیم وحید امدادگر شده و چند وقتی است در حوادث مختلف ماموریت های سختی را انجام می دهد. وقتی متوجه شدیم به شدت عصبانی شدیم. پدرم با او مخالفت کرد و گفت که باید از شغلش انصراف دهد. ولی وحید قبول نمی کرد. آن قدر با پدرم صحبت کرد که در نهایت راضی شد. ما برادرها هم وقتی رضایت پدرم را دیدیم، حرفی نزدیم.

• دلیل مخالفت پدرت چه بود؟
می ترسید بلایی سر برادرم بیاید. می گفت ماموریت امدادگران سخت و پرخطر است و باید همیشه در استرس و اضطراب باشیم. کلی با وحید مخالفت کرد و او خواست انصراف بدهد. از این شغل می ترسید البته ما هم با او موافق بودیم. می دانستیم که اگر وارد این شغل شویم، با هر ماموریت باید کلی اضطراب داشته باشیم. برای همین مخالف بودیم. نمی خواستیم بلایی سر او بیاید. در آخر هم از آنچه می ترسیدیم اتفاق افتاد.

• چطور راضی شدید؟
وحید جمله ای گفت که پدرم را راضی کرد. او گفت، تصور کن ما همگی با هم به بیرون از خانه رفته ایم و دچار حادثه می شویم. در این میان باید کسی باشد که ما را از آن حادثه نجات دهد. این جمله باعث شد حال پدرم دگرگون شود و در نهایت به حق را به وحید دادی. رضایت پدرم را دیدیم.

• از شب حادثه چگونه بود؟
دقیقا یادم است. روز پنجشنبه بود. وحید می خواست به عروسی دوستش که یک امدادگر هلال احمر بود برود. برای همین از شب قبل کت و شلوارش را آماده کرده بود. آن روز داشت برای رفتن به عروسی آماده می شد که با او تماس گرفتند و خبر از یک حادثه تلخ از روستای زین رود خیر رسید. بعد که یک وقتی هنگام حفر چاه و بر اثر ریزش دیواره در عمق ۱۹ متری زمین، مدفون شده است. امدادگران هم برای خارج کردن جسد از چاه در محل مورد نظر حاضر شده بودند، اما از آنجایی که اتمام این ماموریت نیاز به حضور یک تیم حرفه ای تر داشت، وحید محمدی و دوستش رضا که در حوزه صخره نوردی و کوهنوردی تخصص داشتند به محل ریزش چاه اعزام شدند. وحید نتوانست به عروسی دوستش برود. ما هم تصور می کردیم یک حادثه عادی است و برادرم به زودی به خانه برمی گردد. اما شب برنگشت. هر چه هم با او تماس گرفتیم جواب نداد. با این حال باز هم نگران نشدیم. با خودمان گفتیم مثل بقیه ماموریت هایش، کارشان طول کشیده. جمعه صبح بود که همه خواهر و برادرها به خانه پدرم رفتیم. همیشه راز هر جمعه را در خانه پدرم می خوردیم، اما باز هم خبری از وحید نبود. تا این که با موبایل خود وحید با من تماس گرفتند. وقتی گوشی را جواب دادم، آن سوی

خط مرگ غریبه ای بود که می گفت برادرم تصادف کرده؛ بلافاصله به بیمارستان رفتیم. در حیاط بیمارستان، امدادگران هلال احمر را دیدیم که با چهره های غمگین و گریان ایستاده بودند. همان جا بود که ما گفتند چه اتفاقی افتاده است. از آنچه می ترسیدیم به سرمان آمده بود و برادرم را از دست داده بودیم.

• برادر تان چطور فوت کرده بود؟
به همراه دوستش رضا جعفری برای خارج کردن جسد مقتی وارد چاه شده بودند. ابتدا سید رضا برای خارج کردن جسد مقتی از دیواره چاه پایین می رود، اما ناگهان بار دیگر دیواره چاه فرو می ریزد و سیدرضا هم به سر نوشت مقتی دچار می شود. کمی بعد کار گوینداری را با بیل مکانیکی از سر می گیرند و این بار وحید برای خارج کردن پیکر سیدرضا و مقتی وارد چاه می شود که بار دیگر چاه ریزش می کند و تلاش دیگر امدادگران برای زنده ماندن وحید به جایی نمی رسد.

• در خانواده شما فقط وحید عضو هلال احمر بود؟
آن زمان فقط وحید عضو جمعیت بود. با عشق کارش را انجام می داد، ولی همه ما مخالف بودیم، اما بعد از مرگ وحید من هم بلافاصله رقوم و عضو جمعیت شدم.

• چرا؟
به این شغل علاقه پیدا کردم. با این که مخالف بودم و از ریسک می ترسیدم، اما در آن مدت وقتی با امدادگران هم صحبت شدم و فهمیدم که چقدر با هم همبستگی دارند، ناخودآگاه عاشق این شغل شدم. تا زمانی که وحید زنده بود، اصلا وارد کار نمی کردم و نمی توانستم با این شغل ارتباط خوبی برقرار کنم، اما بعد از فوت او به جای این که بیشتر دلزده شوم، به آن علاقه مند شدم. برای همین به صورت داوطلب امدادگر شدم و آموزش دیدم. الان هم چند ماهی است که در هلال احمر کار می کنم.

• خانواده ات مخالف نبودند؟
پدرم و همسرم خیلی مخالفت می کردند. اما در نهایت من هم مثل وحید آنها را راضی کردم.

• بعد از مرگ برادر تان، پول دبه پرداخت شد؟
در ابتدا گفتند که مقصر برادرم و دوستش هستند و دبه تعلق نمی گیرد، اما با اعتراض بخش حقوقی جمعیت هلال احمر، قرار شد که ۶۰ درصد دبه را پرداخت کنند.

• عشق دیرینه به نجات از بچگی عاشق نجات بود. همیشه دوست داشت، خودش را به خطر بیندازد تا بتواند جان کسی را نجات دهد. برای همین این شغل را انتخاب کرد. در دل حادثه های مختلف، جان انسان های زیادی را نجات داده بود. تا این که در یکی از ماموریت هایش زندگی اش به پایان رسید. برادر سیدرضا جعفری هم سر نوشت تلخ برادرش را روایت می کند:

• شما چند برادر و خواهر هستید؟
چهار برادر بودیم و دو خواهر.

• برادر تان که جان خود را از دست داد، چند ساله بود؟
۲۹ ساله بود.

• از دواج کرده بود؟
یک سالگی می شد که از دواج کرده بود.

• چند وقت بود که داوطلب جمعیت هلال احمر شده بود؟
تقریباً سه سال بود.

• چه شد که وارد این شغل شد؟
برادرم عاشق این کار بود. از بچگی دوست داشت کارهای پرخطر انجام دهد. کارهای پرخطری که در آن بتواند جان یک انسان را نجات دهد. برای همین این شغل را انتخاب کرد. پیش از آن هم دوره های صخره نوردی دیده و در این کار حرفه ای بود.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

• شما مخالف نبودید؟
همه ما مخالف بودیم. از این کار می ترسیدیم. مرتب استرس داشتیم که میا حادثه ای جان رضا را به خطر بیندازد تا این که بعد از گذشت مدتی، یکی دیگر از برادرهایم به نام علی، به این شغل علاقه مند و اونیز وارد این کار شد. تقریباً ۴ ماه پیش از مرگ رضا.

• برادر تان بعد از مرگ رضا، همچنان به شغلش ادامه می دهد؟
بله، حتی نسبت به گذشته به این کار علاقه بیشتری پیدا کرده است. هر چه ما مخالفت می کنیم باز هم فایده ای ندارد. می گوید برای نجات جان انسان ها از هیچ ابزاری دریغ نخواهد کرد. او هم مثل رضا شده است و در جای های پرخطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.

آزیر

دانش آموزان تهرانی ۳ زندانی جرایم غیر عمد را آزاد کردند

میزان | دانش آموزان مدرسه تهران به جای خرید لباس عید، سه زندانی جرایم غیر عمد را آزاد کردند. در اقدامی خدابسنانه، دانش آموزان دو مدرسه راهنمایی دخترانه و پسرانه، پول خرید لباس و ملزومات عید نوروز را به حساب نمایندگی ستاد دبه استان تهران واریز کردند. دانش آموزان و اولیای آنان با واریز ۱۶ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان به حساب نمایندگی ستاد دبه، در طرح آزادسازی زندانیان جرایم غیر عمد استان تهران شرکت کردند. طی این اقدام خدابسنانه، با واریز این وجه، بدهی سه نفر از زندانیان نیازمند پرداخت شد تا آنان نیز در لحظات حیات خود، دل در کنار همسر و فرزندانشان خود سر سفره هفت سین بنشینند. نیکوکاران جهت شرکت در طرح آزادی زندانیان نیازمند واجد شرایط جرایم غیر عمد می توانند از طریق تماس با شماره تلفن ۸۸۸۶۱۸۷۰ یا مراجعه به سایت نمایندگی ستاد دبه استان تهران (نشانی www.tehipro.ir) یا لینک اطلاع رسانی https://t.me/tehipro با فعالیت های این نمایندگی و نیز نحوه ارسال کمک های مالی و آزادی زندانیان استان آشنا شوند.

برادر کشتی در شهرستان شادگان

شهروند | قاتلی که در شهرستان شادگان برادرش را به کام مرگ کشانده بود، در کمتر از یک ساعت دستگیر شد. در پی اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک قتل در روستای عبودی شهرستان شادگان، ضمن اعلام تدابیر عملیاتی و تشکیل تیم های مجرب از پلیس امنیت عمومی، دستورات ویژه نیز ابلاغ شد. در بررسی های به عمل آمده مشخص شد یک فرد به هویت «خ-ز» به وسیله سلاح شکاری ر صدوم که پس از انتقال به بیمارستان فوت شده است، به همین خاطر با توجه به اهمیت موضوع ماموران پلیس امنیت عمومی با بررسی آثار به جای مانده و انجام تحقیقات اطلاعاتی قاتل را کردند. با اقدامات تخصصی محل اختفای قاتل فراری را کمتر از یک ساعت شناسایی و پس از هماهنگی با مرجع قضایی در یک عملیات ضربتی و منسجم در مخفیگاهش دستگیر و یک قبضه اسلحه شکاری استفاده شده در قتل و یک قبضه اسلحه تکماری غیرمجاز دیگر در منزل وی کشف و ضبط شد.



عشق از دستان تو می روید؛ هر روز، روز توست

موسسه خیریه کهریزک
مركز نگهداری، درمان و آموزش معلولین و سالمندان غیر دولتی، غیر انتفاعی، مردمی

کمک های مردمی: ۴۲۱۱۴
روابط عمومی: ۸۸۳۱۰۶۸۸
www.kahrizak.com

۱۰۰۱ * ۷۳۳ *
۴۲۱۱۴ * ۷۸۰ *